

دفتر انتشارات کمک آموزشی در یک نگاه

تاریخچه

دفتر انتشارات کمک آموزشی با وظیفه‌ی اصلی مدیریت تولید و تولید نشریات رشد (مجلات و کتاب‌های کمک آموزشی) از دفتر تابعه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است.

این دفتر در سال ۱۳۴۱ با عنوان «مرکز تهیه خواندنی‌ها برای نوسوادان» تأسیس شد و وظیفه‌ی تولید و توزیع نشریات «پیک» را به عهده داشت.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ابتدا نام این دفتر به «دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه‌ها» و سپس به «دفتر انتشارات کمک آموزشی» تغییر یافت. در ضمن، عنوان عمومی مجلات پیک به «مجلات رشد» تبدیل شد.

اهداف

پژوهش و برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای مخاطبان (دانش آموزان، معلمان، مشاوران، مربیان، مدیران مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و کارشناسان آموزش و پرورش) در زمینه‌ی مدیریت تولید و تولید مطالب علمی و آموزشی و فرهنگی مناسب کمک آموزشی در قالب رسانه‌های نوشتاری؛

پژوهش و برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای علمی و تخصصی معلمان در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و علوم پایه و فنی و حرفه‌ای؛

پژوهش و برنامه‌ریزی برای تقویت و توسعه‌ی فرهنگ مطالعه و ایجاد پویایی در منابع کتابخانه‌های مدارس با استفاده از توانمندی‌های ناشران خصوصی و در چارچوب اهداف برنامه‌ی درسی.

وظایف و برنامه‌ها

مدیریت تولید و تولید نشریات رشد (مجلات رشد و کتاب‌های کمک آموزشی) برای گروه‌های سنی و دوره‌های گوناگون تحصیلی با بهره‌مندی از برنامه‌ریزان و پدیدآورندگان شایسته؛

اجرای طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی (جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، تولید کتابنامه‌های رشد، تهیه جزوه‌های راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی) و مشارکت در زمینه‌ی تجهیز منابع کتابخانه‌های مدارس؛

انجام نیازسنجی، پژوهش و برگزاری نشست‌های علمی - کاربردی نشریات رشد در حوزه‌های کتاب، مجلات و گرافیک توسط مرکز مطالعات؛

بررسی آثار مخاطبان مجلات دانش‌آموزی در قالب‌های گوناگون ادبی و هنری و ارائه مشاوره‌های غیر حضوری (نوشتاری و الکترونیکی) توسط کارشناسان مرکز بررسی آثار؛

توسعه‌ی شبکه‌ی ارتباطی و تعامل فعال با مخاطبان با استفاده از قابلیت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات (ICT) از طریق سایت دفتر (www.roshdmag.ir).

دفتر انتشارات کمک آموزشی در یک نگاه

● مرکز مطالعات

این مرکز با هدف پشتیبانی علمی- پژوهشی از فعالیت‌های دفتر و نهادهای مرتبط با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بر مبنای پژوهش تشکیل شده است و در سه زمینه‌ی پژوهش (تحلیل محتوای مجلات و نظرسنجی و ارزیابی تولیدات از نگاه مخاطبان و کارشناسان)؛ برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای برنامه‌های سالانه و پنج ساله‌ی دفتر؛ آموزش تخصصی کارشناسان و سردبیران فعالیت می‌نماید. تولید سالنامه‌ی رشد از وظایف دیگر این مرکز قلمداد می‌شود.

● مرکز منابع تصویری و نوشتاری

این مرکز با هدف ارائه منابع تصویری و نوشتاری به کارشناسان و پدیدآورندگان نشریات رشد به صورت شبکه‌ای تشکیل شده است.

● جشنواره‌ی عکس رشد

این جشنواره به منظور غنی‌سازی منابع تصویری و بهره‌مندی از کلیه توانایی‌های عکاسان کشور در قلمرو موضوعی تعلیم و تربیت به صورت دو سالانه برگزار می‌شود.

● مرکز توزیع مجلات

این مرکز به منظور توزیع دقیق مجلات و بر اساس جدول زمان‌بندی معین تشکیل شده است. علاوه بر توزیع متمرکز مجلات به استان‌ها، در مجلات ماهنامه‌ی بزرگسال و فصلنامه، خدمات اشتراک فردی نیز ارائه می‌شود.



مجلات رشد (ماهنامه)

این مجلات به عنوان جزئی از اجزای برنامه‌ی درسی و در چارچوب اهداف و راهبردهای معین، با زمینه‌های آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود.

مجلات عمومی به صورت ماهنامه و با هدف توسعه‌ی فرهنگ مطالعه، تعمیق تفکر خلاق و بهبود کیفیت در آموزش و پرورش برای گروه‌های سنی و مخاطبان مختلف منتشر می‌شود:

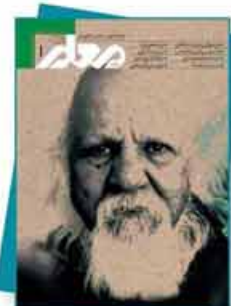
بخش دانش آموزی

- رشد کودک (برای کودکان پیش دبستانی و دانش‌آموزان پایه‌ی اول دبستان)
- رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دبستان)
- رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دبستان)
- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)



بخش بزرگسال

- رشد معلم (برای معلمان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزش و پرورش)
- رشد مدیریت مدرسه (برای مدیران، معاونین مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش)
- رشد تکنولوژی آموزشی (برای معلمان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزش و پرورش)
- رشد آموزش ابتدایی (برای آموزگاران دوره‌ی ابتدایی، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزش و پرورش)
- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی (برای معلمان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزش و پرورش)
- رشد مدرسه فردا (برای معلمان، دانشجویان تربیت معلم و کارشناسان آموزش و پرورش)

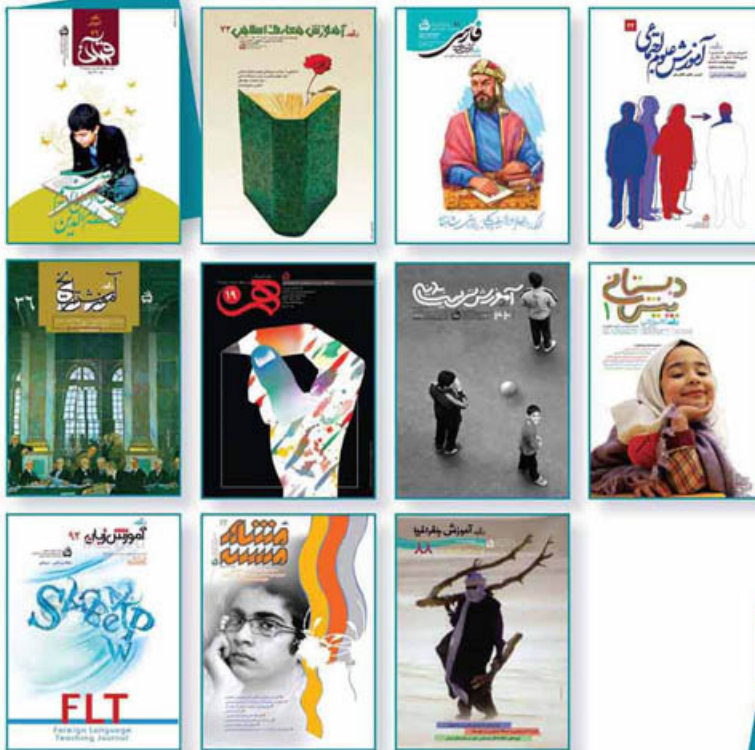


مجلات رشد (فصلنامه)

فصلنامه‌های رشد در حوزه‌های «علوم انسانی»، «علوم پایه» و «فنی و حرفه‌ای» با هدف ارتقای دانش، نگرش و مهارت‌های حرفه‌ای برای دبیران، معلمان و مربیان مدارس منتشر می‌شود:

فصلنامه‌های علوم انسانی

- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش پیش دبستانی
- رشد آموزش زبان انگلیسی
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش جغرافیا



فصلنامه‌های علوم پایه و فنی و حرفه‌ای

- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای

فصلنامه‌های دانش آموزی

- رشد آموزش ریاضی برهان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی
- رشد آموزش ریاضی برهان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی





بیست سال حرکت و تلاش

میزگرد بیستمین سالگرد مجله برهان



اشاره

بیست سال گذشت، زمانی طولانی، به روایتی ثلث عمر آدمی. ایامی از مهمترین دوران زندگی ما، ما چند نفر که بیست سال پیش دور هم نشستیم و مجله برهان را پایه‌گذاری کردیم. مجله‌ای که مقالاتش، برهان بیست سال از بهترین دوران زندگی ماست.

در این نشست، به درد دل با خوانندگان مجله پرداخته‌ایم. آن‌چه گفته‌ایم صمیمانه ادا کرده‌ایم. خواستیم از استاد پرویز شهریاری تجلیل به عمل آوریم. به آقای امیری بگوییم قدر زحماتان را می‌دانیم، به آقای صدر خاطرنشان کنیم دوستشان داریم. از آقای رستمی قدردانی کنیم، به آقای قندهاری دست‌مریزاد بگوییم، آقایان هاشمی و شرقی را تحسین کنیم، از آن‌ها که با ما بودند و اکنون نیستند یادی کنیم، از خاطراتمان بگوییم، و خلاصه هرچه دل تنگمان می‌خواهد به زبان آوریم و بالاخره، شکر خداوند را، به خاطر این توفیق که نصیب‌مان کرده به‌جا آوریم، و اینک این شما و این حاصل نشست صمیمانه ما.





دکتر غلامرضا یاسی پور

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. نزدیک بیست سال پیش، آقای امیری، سردبیر مجله برهان با آقای سید موسوی و بنده و آقای رستمی جلسهای گذاشتند تا مجله‌ای به نام مجله ریاضی (زیرا آن زمان هنوز اسمش مشخص نبود) را منتشر کنند. آقای امیری پیشنهاد کردند که از آقای استاد شهریار هم دعوت به عمل بیاید. جلسه بعد ایشان تشریف آوردند و به پیشنهاد آقای استاد شهریار، کلمه برهان را برای نام مجله انتخاب کردند. البته متوجه شدیم که این کلمه در قرآن هم آمده است. «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ»، یعنی اگر این‌جا حرفی دارید با استدلال وارد شوید. افراد دیگری در جلسات بعد اضافه شدند، از جمله آقای قندهاری و آقای هاشمی موسوی، آقای قمصری و آقای عابدی هم با مجله همکاری داشتند. بعد هم آقای صدر و سپس آقای شرقی آمدند. همکاران جدید یکی از یکی بهتر بودند، یعنی باعث خوشحالی بودند.

بنده اگر بخوام یک خاطره از مجله برهان بگویم، یک خاطره‌ای می‌گویم که مربوط به همه است، یعنی همه ما آن را یک خاطره خوب می‌دانیم. از زبان همه صحبت می‌کنم. یک خاطره همکاری مداوم استاد شهریار است که در هر موقعیتی ارتباطش را با مجله برهان و جلسات ما قطع نکردند و برای همه ما افتخار بزرگی است. خاطره دیگر، ادب و محبت آقای امیری سردبیر مجله است که این جمع را تا به حال در کنار هم نگه داشته است؛ جمعی که از حدود بیست سال پیش تاکنون دور هم جمع می‌شوند و برای مقالات مجله تصمیم می‌گیرند و به کار مشغول‌اند. با این مقدمه، رشته سخن را به خود آقای امیری می‌دهم.



حمیدرضا امیری

من دلم می‌خواست آخرین نفری باشم که صحبت می‌کنم و بیش‌تر از صحبت‌های اساتید محترم استفاده ببرم. خاطرم هست وقتی که با حاج آقا برادری (معاونت انتشارات مدرسه) راجع به اعضای هیئت تحریریه صحبت کردیم، به این نتیجه رسیدیم از کسانی استفاده کنیم که بیایند و به جمع ما، به این مجله و به ناشر این مجله اعتبار بدهند، نه اینکه خدای نکرده بیایند و اعتباری بگیرند. اولین گزینه‌ای که به ذهنمان رسید استاد شهریار بودند. وقتی اولین بار با ایشان صحبت کردم (که همیشه در ذهنم باقی‌مانده و باقی خواهد ماند) که تلفنی هم صحبت کردم، به ایشان گفتم مجله‌ای ریاضی مانند یکان می‌خواهیم منتشر کنیم. ایشان گفتند یعنی یک چیزی شبیه یکان؟ گفتم: بله. گفتند: خیلی خوب است، من هم موافقم. اگر خاطراتان باشد، جلسهای با ایشان گذاشتیم که فکر می‌کنم آقای رستمی هم در آن جلسه تشریف داشتند، شما هم تشریف داشتید، آقای سید موسوی هم بودند. بهتر است، آقای شهریار خودشان بگویند که آن موقع چه فکر می‌کردند؟ آیا فکر می‌کردند بیست سال بعد این‌طور بشود؟ یا انگیزه‌شان از ورود به این عرصه و جمع ما (جمعی که نمی‌شناختند) چه بود، زیرا بیش‌تر افراد این جمع را نمی‌شناختند.

شود، مثل الآن که دلمان نمی‌خواهد این ساعتی که این‌جا هستیم تمام شود. حالا من دلم می‌خواهد اگر شما هم چیزی در ذهنتان هست یا خاطراتی دارید، نقل کنید؟
استاد شهریار: شما قسمتی از آن را فرمودید دیگر احتیاجی به من نیست. به نظر من اگر دیگران صحبت کنند، کافی است.
آقای امیری: شما همه شماره‌های مجله آشنایی با ریاضیات را دارید؟ یادتان هست که تعطیل شد؟
آقای شهریار: یادم نیست. همه شماره‌ها را به صورت یک دوره صحافی شده دارم.

آقای امیری: از کسانی که آن دوره با شما همکاری می‌کردند و مقاله می‌دادند، هنوز هم کسانی هستند که با شما ارتباط داشته باشند؟ البته مثل اینکه بیش‌تر مقالات را خود شما می‌نوشتید...
آقای یاسی پور: فکر راه‌اندازی مجله برهان از چه کسی بود؟
آقای امیری: مال خودم بود، من اول به آقای فریدون^۱ پیشنهاد

چیزی که برای من اهمیت داشت این بود که بعد از چاپ پنج یا شش شماره از مجله استاد مجله خودشان به نام آشنایی با ریاضیات (البته اول آشتی با ریاضیات بود، بعد تبدیل به آشنایی با ریاضیات شد) را به حالت تعطیل درآوردند. وقتی من علت را از ایشان سؤال کردم، گفتند که من هرچه توان دارم در برهان صرف می‌کنم و بهتر است در این‌جا متمرکزتر باشیم. یعنی یک چیزی بالاتر از همکاری مستمر ایشان با مجله؛ چون به خاطر همکاری و ارزشی که برای این مجله قائل بودند، مجله خودشان را به دلایلی که گفتند (شاید موازی کاری یا تمرکز بیش‌تر روی برهان) تعطیل کردند. به هر صورت، استاد، از همان روزهای اول که شما وارد جمع ما شدید، همیشه برای آن لحظاتی که می‌خواستیم در هیئت تحریریه با شما بنشینیم لحظه‌شماری می‌کردیم و منتظر بودیم آن تاریخ و آن ساعت و آن روز برسد و بعد هم دلمان نمی‌خواست آن ساعت‌ها تمام



استاد دکتر پرویز شهرباری

من بیش‌تر می‌نوشتم و دیگران هم بودند.
منتها با هر دو نام «آشتی با ریاضیات»
و «آشنایی با ریاضیات» روی هم هفتاد
شماره چاپ شد.



به من ارجاع شد که من نظر بدهم و الحق والانصاف کتاب بسیار با ارزش و خیلی پرمحتوایی بود و در آن دوره نظیر نداشت. بعد از آن از ایشان خواستم که در این زمینه به من کمک کنند. آن موقع فکر نمی‌کردم تخصص ایشان در هندسه بیش‌تر از جبر باشد، ولی با همان یک کتاب متوجه شدم که قلم و کارشان با دیگران فرق دارد. با آقای سید موسوی در مدرسه تیزهوشان ارتباط داشتم، و با هم در مدرسه علامه حلی درس می‌دادیم. آن موقع ما خدمت استاد یاسی‌پور درس منطق ریاضی را فرا می‌گرفتیم. من بودم و آقای سید موسوی و آقای نوذری. ما آن‌جا به آقای سید موسوی گفتیم، شما هم بیا، قرار است آقای شهرباری هم بیایند.

در اولین جلسه هیأت تحریریه گفتیم که اسم مجله را چه بگذاریم. اگر خاطرتان باشد خودم کلمه «مبین» را پیشنهاد کردم. آقای شهرباری پیشنهاد کردند اسم مجله را بگذاریم «برهان». وقتی کلمه برهان به کار رفت و از دهان ایشان بیرون آمد، همه نام‌های پیشنهادی‌شان را فراموش کردند و گفتند بهترین اسم ممکن همین است. اسم باید یک کمی هم ژورنالیستی باشد، مثل یکان که در ذهن بماند. قرار شد نام مجله را برهان بگذاریم. من آن موقع از یکی دو نفر از دوستان دفتر تألیف هم خواهش کردم به جمع ما بپیوندند تا از آن‌ها مقاله بگیریم، که مقاله‌ای ندادند و شاید که کمی محافظه کارانه عمل کردند. شاید فکر نمی‌کردند که

کردم، آقای فریدون مخالفت کردند. بعد گفتم حالا اگر می‌شود با آقای چینی‌فروشان^۲ مطرح کنید. من روحیات ایشان را نمی‌شناختم، ولی چون فکر می‌کردم آخرین تیر است، دیگر گفتم شما مطرح کنید، ایشان هم فکر نمی‌کرد آقای چینی‌فروشان بپذیرند یا این‌طور مُصر باشند. در جلسه‌ای گفت، فلانی هم پیشنهاد چاپ مجله دارد. ایشان گفتند چه مجله‌ای؟ گفتم مجله ریاضی در مایه‌های یکان. آقای چینی‌فروشان هم که به دلیل تحصیل در رشته ریاضی در دبیرستان و مهندسی در دانشگاه از خواننده‌های مجله یکان بودند، بلافاصله مرا به دفترشان صدا کردند و گفتند: من هر جور بخواهی پشتیبانی‌ات می‌کنم، اصلاً نترس و مجله را راه بینداز و به حاج آقا فریدون هم گفتم که مقدمات کار را برایت فراهم کند.

من برای شروع کار به دنبال اعضای هیئت تحریریه بودم. آن زمان در آموزشگاه علامه تدریس می‌کردم و در زمان دانش‌آموزی‌ام کتاب جبر و آنالیز آقای قندهاری را خوانده بودم، بعد فهمیدم ایشان آن‌جا درس می‌دهند و در یک روز با هم درس می‌دادیم. رفتم پیش آقای قندهاری و از ایشان خواهش کردم که به جمع ما بپیوندند. ایشان گفت: روی این قضیه فکر می‌کنم، تلفنشان را دادند و من زنگ زدم و بعد گفتند باشد.

آقای رستمی یک کتابی را برای چاپ به انتشارات مدرسه آورده بود؛ «کتاب جبر پایه». چون من آن‌جا مسئول گروه ریاضی بودم،

مجله به این سرعت و به این خوبی پا بگیرد. آقای سید موسوی بعد از دو سه جلسه از جمع ما گریخت، چون خیلی روحیه کار جمعی نداشت و عذرخواهی کرد و از جمع ما رفت و آقای هاشمی به جمع ما اضافه شدند. ایشان هم به بهانه دادن یک کتاب یا یک جزوه (شاید در مورد دترمینان) به دفتر آمده بودند. با ایشان هم صحبت کردیم، دیدیم که خیلی علاقه‌مند به ریاضیات‌اند و از طرفی روحیاتشان هم با روحیات ما می‌خواند.

فکر می‌کنم پس از چاپ چهارده یا پانزده مجله بود که احساس کردیم مجله باید یک سازمان مستقل پیدا کند و فکر می‌کنم از آغاز ورود آقای صدر، دیگر وضعیت مجله ما دگرگون شد. ایشان مجله ما را به یک مجله خیلی وزین تبدیل کردند. خیلی کارها که برای من سخت بود ایشان انجام می‌دادند.

آقای یاسی‌پور: آقای شرقی کی تشریف آوردند؟
آقای امیری: زمان ورود ایشان کمی بعد از آقای صدر بود. آقای شرقی به واسطه المپیادها وارد مجله شد.

آقای شرقی: ما از خیلی پیش‌تر از آن هم ارتباط داشتیم. سال ۷۴ بود و شما یک کتابی را به من دادید و فرمودید آقای رستمی نوشته‌اند. فکر می‌کنم از شماره ۲۵ به‌طور رسمی وارد جلسات شما شدم.

آقای صدر: من فکر می‌کنم از شماره ۲۰ بود که به جمع هیئت تحریریه پیوستم. قبل از آن آقای هاشمی موسوی یک سال مدیر داخلی مجله بود.

آقای امیری: آقای شهریار، مطلبی که من فکر می‌کنم دوستان راجع به آن صحبت کنند، تأثیراتی است که این مجله در جامعه داشته و دارد.

آقای شهریار: به هر حال این را شما باید بگویید که بیش‌تر ارتباطات دارید؛ شما یا آقای صدر.

آقای امیری: در طی این سال‌ها، خیلی وقت‌ها کتاب درسی عوض می‌شد و ما می‌دیدیم که یک مقاله یا یک موضوع در آن است که حالا به دلیل محدودیت‌هایی که در تألیف کتاب‌های درسی وجود دارد، باید خیلی بیش‌تر باز شود و مجله در این گونه موارد نقش خودش را خیلی

خوب بازی می‌کرد. ما کسانی را داشتیم که به ما مقاله می‌دادند، مثل همین آقای صدر که برای من یک مقاله نوشت و همان مقاله آغاز آشنایی ایشان با ما بود. مقاله ایشان درباره شکل‌های توپولوژیکی بود که در فضای متریک معمولی یک شکل دارد و در فضای دیگر، معادله به شکل دیگری ظاهر می‌شود و بحث‌های توپولوژی دیگر، من دیدم که این مقاله برای بچه‌های دبیرستانی کمی سنگین است. با ایشان ارتباط برقرار کردم و گفتم این مقاله کمی سنگین است، شما قلمت خوب است و کاری که می‌کنی بالارزش است، به این کارت ادامه بده و یک مقاله دیگر در این زمینه‌ها برایمان بنویس. بعد ایشان یک مقاله دیگر به نام «هم‌ارزی مجموعه‌ها» برایمان نوشت. آن مقاله اشکالاتی داشت و این گونه مقالات در هیئت تحریریه مطرح می‌شد. بعد مقاله را به ایشان برگردانیدیم و گفتیم چکش کاری کند. خلاصه چهار، پنج دفعه ما ایشان را بردیم و آوردیم تا بالاخره مقاله ایشان در شماره ۱۵ که خودم هم یک ستون به آن اضافه کردم و چاپ شد. خوب ایشان از یک مقاله شروع کرد که یک ستونش را هم من نوشتم، ولی الآن از خود بنده خیلی بهتر می‌نویسد، یعنی این مجله باعث و بانی این امر شد. مثال ایشان افراد زیادی بودند. الآن در چندتا از شماره‌های مجله، افراد ثابتی مثل آقای عنایت‌الله راستی، یا خانم اکبری‌زاده مقاله دارند که دبیران ریاضی خیلی خوبی هستند. آقای احسان یارمحمدی از اراک با یک مقاله شروع کرد و الآن چندین مقاله‌اش در برهان چاپ شده و بچه‌ها از آن استفاده می‌کنند. به هر حال تأثیرات این مجله در جامعه خیلی خوب بوده است.

حالا در خدمت استاد رستمی هم هستیم. خوشحال می‌شویم از صحبت‌های شیرینشان استفاده کنیم. می‌توانیم بگوییم، ایشان از پایه‌گذاران اصلی مجله هستند. همیشه زحمت بخش هندسه مجله، با ایشان بوده است. من و همه دوستان از رهنمودهای ایشان خیلی استفاده کردیم. و همکاری ایشان باعث افتخار همه ماست. من در یک جمع دیگری هم که از بزرگان و دست‌اندرکاران ریاضی بودند، عرض کردم که در زمینه هندسه در عصر معاصر، زحمتی که ایشان در دایرةالمعارف هندسه کشیدند واقعاً کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر است.



محمد هاشم رستمی

بسیاری از مطالب را آقای امیری، سردبیر محترم مجله رشد ریاضی برهان، فرمودند. من تشکر می‌کنم. بنده همیشه شاگردی بودم در جمع دوستان. واقعیت این است که از نظر تک‌تک دوستانی که در این جمع بودند، استفاده کردم، به‌خصوص استاد شهریار که از قبل، چه زمان تحصیل و چه زمان دبیری‌ام از کتاب‌های ایشان استفاده می‌کردم که راهنمای ما بود و بعد هم، از شروع مجله برهان که در خدمت ایشان بودیم فیض بردن ما از نظرات و راهنمایی‌های ایشان به‌مراتب بیشتر شد و هنوز هم ادامه دارد.

من موقعی که معلم بودم با مجله یکان آشنایی داشتم و از کسانی بودم که مجله یکان را هم مشترک بودم و هم به شاگردانم توصیه می‌کردم که حتماً بگیرند. با خود استاد مصحفی هم ملاقات‌هایی داشتم. دفتری داشتند در خیابان لاله‌زارنو تهران، که چندبار من در آن‌جا پیش ایشان رفتم. هم مقاله می‌دادیم

برای چاپ در مجله و هم از مقالات ارزشمند یکان استفاده می‌کردیم. در آن زمان همکارهای مجله یکان اساتید بزرگی بودند، از جمله استاد شهریار، دکتر هشتروندی و دیگر دوستان که همکاری می‌کردند. بعدها متأسفانه این مجله تعطیل شد و جای خالی آن احساس می‌شد. زمانی که جناب امیری پیشنهاد تأسیس یک مجله ریاضی را دادند، من بسیار خوشحال شدم، زیرا این خلأ را کاملاً حس می‌کردم. به همین علت در حد بضاعتی که داشتم، گفتم در خدمت شما هستم. در اوایل تعداد افراد کمتر بود. یادم هست که مسئولیت جبر رشته ریاضی، مثلثات رشته‌های تجربی و ریاضی و هندسه و جبر رشته تجربی و تهیه مقالاتش با من بود؛ تا بعد که دیگر دوستان مثل آقای قندهاری آمدند و بخش جبر به ایشان داده شد. بعد با آمدن دوستان دیگر از جمله جناب صدر و جناب شرقی و جناب هاشمی، مسئولیت بنده محدود به هندسه شد. برنامه‌ریزی آقای امیری برای مجله برهان از ابتدا با هدف رفع کمبودهای کتاب درسی و تکامل و دانش‌افزایی دانش‌آموزان، جایگاه خاصی داشت که باید بگویم هم برنامه‌ریزی‌ای که ابداع‌کننده‌اش جناب امیری بود و هم برنامه‌ریزی در هیئت تحریریه این مجله باعث شد الحمدلله تاکنون مجله نقشش ادامه پیدا کند و همیشه هم سعی بر این بوده است که در جهت تکامل و بهبود و پیشرفت قدم برداشته شود.

من در آخرین قسمت از صحبت‌هایم می‌خواهم باز تشکر کنم به‌ویژه از جمع حاضر در این جلسه در درجه اول از استاد شهریار که مایه افتخار این کشور و از چهره‌های ماندگار هستند و واقعاً نهایت محبت و لطف را داشتند. خود من هم همیشه از راهنمایی‌های ایشان استفاده کردم. بعد هم از مدیریت خوب مجله، برادر عزیزمان جناب آقای امیری و آقای صدر تشکر می‌کنم که با ایجاد جو صمیمی در هیئت تحریریه مجله برهان آن را به شکل یک خانواده درآوردند. هم‌چنین از استاد یاسی‌پور که ایشان هم همیشه از ابتدا آن‌چه در توان داشتند دریغ نکردند و همیشه محبت داشتند و بنده خودم از راهنمایی‌های ایشان خیلی استفاده کردم. همین‌طور از آقای هاشمی موسوی، آقای شرقی و آقای قندهاری و دوستانی که به‌طور مقطعی کار کردند. امیدوارم همیشه در زندگی‌شان موفق باشند و دانش‌آموزان این مملکت و به‌طور کلی اهل فرهنگ بتوانند بهره‌ی بیش‌تری از وجود این عزیزان ببرند.

آقای امیری: حالا که استاد فرمودند، یادم افتاد نقش آقای شهریار در جمع ما همیشه یک نقش محوری بوده است، یعنی همیشه ایشان شمع بودند که ما به دور ایشان می‌چرخیدیم و می‌انداختیم. یک خاطره‌ای دارم که چند جا نقل کرده‌ام و الآن هم نقل می‌کنم. هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم که ایشان یک‌بار از کانادا تشریف آورده بودند، فکر می‌کنم ۹ یا ۱۰ سال پیش بود. طبق معمول ایشان به جلسه هیئت تحریریه می‌آمدند که در دفتر مجله تشکیل می‌شد. ایشان گفتند که دانشگاه شهر ونکوور از ایشان خواسته بودند که تدریس تاریخ ریاضی یا قسمتی از ریاضی را برعهده بگیرند، با حقوق خیلی خوب و قول اینکه مترجم در اختیارشان بگذارند. ایشان سنگ انداخته بودند که من کتاب‌هایم همراهم نیست. بعد من از ایشان پرسیدم که استاد چرا نماندید، آنجا که شغل خوب، حقوق خوب، همه امکانات، اعضای خانواده‌تان هم که آن‌طرف‌اند و تنها نیستید، چرا قبول نکردید؟ ایشان خیلی بزرگوارانه فرمودند، اگر من آن‌جا مانده بودم الآن این جمع هیئت‌تحریریه را نداشتم. این حرف برای من خیلی ارزش داشت و مرا بر آن داشت تا با تلاش هرچه بیش‌تر سعی کنم این جمع را حفظ کنم. وقتی شخصیتی مثل آقای شهریار آن همه امکانات رفاهی را رها می‌کند و می‌گوید دوست دارم در این جمع باشم، این برای من خیلی ارزشمند است.

آقای یاسی‌پور: هوشنگ ابتهاج یک قطعه شعری دارد که البته آن را برای شهریار شاعر گفته، ولی با این داستان که شما تعریف

کردید، من یاد آن بیت افتادم که می‌گوید:

شهریارا تو بمان بر سر این خیل یتیم
پدرا! یارا! اندوه‌گسارا! تو بمان

آقای رستمی: حال تا وقت است من خاطره‌ای از آقای شهریار بگویم. مطلبی یادم افتاد در مورد کتاب مکان هندسی. من قبل از اینکه بخوایم کتاب مکان هندسی را به‌صورت مستقل بنویسم، در مجله یک‌سری مقاله در مورد مکان هندسی می‌نوشتیم. بعد به این فکر افتادیم که بیاییم آن‌ها را به‌صورت یک مجموعه دربیابیم. دسته‌بندی مکان‌های هندسی کار مشکلی است و تا آن‌جا که من اطلاع دارم در زمینه مکان هندسی به‌صورت مستقل کتابی نوشته نشده است. من در این مسئله ماندم که ما چگونه این مکان‌ها را تقسیم‌بندی کنیم؟

یکی از بخش‌های چالش‌آفرین در هندسه، هم برای دانش‌آموزان و هم برای دبیران، مکان هندسی است. به همین دلیل با ایشان مطرح کردیم که اگر بخوایم چنین چیزی تنظیم کنیم چه کار باید کنیم؟ بعد آمدیم مکان‌ها را با آن عوامل ثابتی که در آن‌ها وجود دارد تقسیم‌بندی کردیم. در یکی از جلسات هیئت تحریریه بود که وقت استاد شهریار را گرفتیم و از ایشان نظر خواستیم که ایشان لطف کردند و در ابتدای کتاب، یک تقسیم‌بندی برای مکان‌ها نوشته شد که حاصل راهنمایی‌های استاد شهریار است. آقای یاسی‌پور: به این قسمتی که آقای رستمی گفتند، می‌خواستم یک

چیزی در مورد آقای امیری و آقای صدر اضافه کنم. آقای امیری که خودش خیلی آدم خوبی است، یک آدم خوب دیگر هم مثل خودش پیدا کرده و این خیلی جالب است. من یاد این مصراع حافظ افتادم که می‌گوید: ادب و شرم تو را خسرو مه‌رویان کرد

یعنی واقعاً این‌طور است. هر دو زحمت می‌کشند، محبت دارند و ادب به خرج می‌دهند. آقای صدر هم مثل آقای امیری است. این زوجی که عهده‌دار کارهای اصلی مجله‌اند، به‌عنوان سردبیر و مدیر داخلی، هر دو خیلی باهم جور شده‌اند. از هر دو تشکر می‌کنم.



هاشمی موسوی

ابتدا از هیئت تحریریه به‌ویژه آقای امیری و آقای صدر، آقای رستمی، آقای یاسی‌پور، آقای شرقی و استاد بزرگمان آقای شهریار و بالاخره آقای قندهاری تشکر می‌کنم. قبل از اینکه به چند نکته اشاره کنم به محتوای خود مجله یک‌مقدار اشاره می‌کنم و یک توصیه‌هایی برای شماره‌های بعدی دارم که ان‌شاءالله بتوانیم آن‌ها را عملی کنیم.

در مورد خود مجله بگویم که بسیار جای خرسندی و تشکر است که این جمع تا به حال ماندنی شده و همه زحمت می‌کشند، مقاله می‌دهند و خوشحال‌اند که برای شماره بعدی یک مقاله جدید بدهند. من بسیاری از مجلات مثل آشنایی با ریاضیات، آشتی با ریاضیات را که ۱۰ تا

۱۵ مقاله خودم در آن چاپ شده بود، مطالعه می‌کردم. وقتی که آشنایی با ریاضیات چاپ نشد، خیلی ناراحت شدم، اما یکی دیگر به نام برهان ریاضی جانشینش شد و باعث خوشحالی بود. اما تعداد کم مجلات ریاضی در ایران نگران‌کننده است. یعنی اگر ده مجله دیگر در کنار برهان با اهداف دیگر و به‌صورت‌های دیگر چاپ شود بسیار عالی است. وقتی اینترنت را جست‌وجو می‌کنیم، به هشتاد مجله ریاضی آمریکایی با عناوین مختلف برمی‌خوریم. یک‌سری از آن‌ها حذف شده و چندتای دیگر فعال است. مجلات دیگری از انگلیس مانند اکسپکتروم که خود من الآن ارتباط دارم و به آن‌ها مقاله داده‌ام، ولی اعتنا نمی‌کنند، یعنی آن‌ها به صورت فردی نگاه می‌کنند و وقتی می‌بینند ایرانی است، با نگاه دیگری به آن می‌نگرند. از یک مقاله فقط یک مسئله درمی‌آورند و جوابش را می‌زنند و این بسیار جای نگرانی است. الآن بدتر شده و روزبه‌روز بدتر می‌شود، یعنی وقتی شما یک مقاله می‌فرستید، می‌گویند اگر شما می‌خواهید به‌صورت یک مسئله چاپ می‌کنیم. همین چند وقت پیش من یک مقاله کامل به آمریکن مونتلی با یک نفر دیگر به صورت مشترک دادم، بعد گفتند این را به صورت problem solution بفرستید به بخش problem solution. ما فرستادیم آن‌جا. این‌ها چیزهایی است که نگرانی‌های ما را بیش‌تر می‌کند. این درحالی‌است که در این‌جا دایره باز است. مجله رشد برهان انصافاً باز برخورد می‌کند و کسی مقاله‌اش خوب باشد چاپ می‌شود. من در هیچ‌جا ندیدم، من با ۱۰ تا ۱۵ مجله با خارج در ارتباطم، می‌بینم این مجله چه‌قدر باز است و چه جای خرسندی است برای خودمان که این مجله جایگاه بسیار خوبی دارد.

توصیه می‌کنم که ما این مجله را با یک ترفندهایی میان بچه‌ها ببریم. می‌توان با تعیین جایزه این کار را کرد. اگر یک دانش‌آموزی در یک مقطع تحصیلی صورت مسئله‌اش در مجله بیاید، شوق پیدا می‌کند. پس یک مجله می‌تواند چه‌قدر راهگشا باشد و کل جامعه را تکان بدهد؛ دبیران را، دانش‌آموزان را، همه را؛ و به جایی برساند که همه آن‌ها مقاله بدهند. چرا همیشه چند نفر انگشت‌شمار باید مقاله دهند. همین، ما را نگران می‌کند. همین باعث می‌شود که کارهایی بکنیم، مجله را به درون دبیرستان‌ها ببریم حالا یا به‌صورت مسابقه یا مقاله یا با راهکارهای دیگر و در همین حد نماییم.

پیشنهاد دیگرم این است که در هر جلسه یک معلم از یک منطقه بیاید و با استفاده از بحث‌های همکاران، مجله را به دانش‌آموزان منطقه خود بشناساند. من معتقدم باید دعوتی از یک یا دو معلم به عمل آورد که خیلی با سابقه هستند، بیایند این‌جا تا هم ما معرفی کنیم، هم آن‌ها بشناسند و این کار در روند همه‌چیز مجله تحول ایجاد کند.



هوشنگ شرقی

من می‌خواهم خاطراتم و احساسات شخصی‌ام را بگویم. همیشه خیلی قبل از ورود به هیئت تحریریه مجله برای من افتخار بزرگی بوده است در کنار اشخاصی چون آقای قندهاری، آقای رستمی، آقای یاسی‌پور و آقای امیری باشم. این‌ها اسم‌های خیلی بزرگی برای من بودند و فکر نمی‌کردم که روزی در کنار آن‌ها همکاری کنم. آقای شهریار هم که حسابش از همه جداست و برای من یک اسم ماندگار است. من خودم اولین باری که با اسم آقای شهریار آشنا شدم فکر می‌کنم کلاس پنجم ابتدایی بود که عضو کتابخانه کانون فکری کودکان و نوجوانان بودم. من در آن‌جا یک سری کتاب‌ها را به صورت دوره‌ای می‌خواندم و می‌رفتم جلو، یک خانم کتابداری آن‌جا بود، به من گفت: چرا کتاب‌های بهتر نمی‌خوانی؟ گفتم مثل چه کتابی؟ گفت خوب

مثل این؛ و رفت یک کتابی را از قفسه آورد بیرون، «یک روز زندگی پسرک قبطی». من این کتاب را بردم و خواندم و خیلی لذت بردم و گفتم مترجم این کتاب آقای پرویز شهریاری باید استاد تاریخ باشد که کتابی در ارتباط با مصر نوشته است. چند سالی از این قضیه گذشت و من کلاس سوم ریاضی دبیرستان در یک مدرسه عادی منطقه ۱۰ بودم. کتاب جبر سوم ریاضی را که می‌خواندیم مسئله‌هایی درباره مشتق و مسئله‌های ترکیبی درباره مشتق اول و دوم داشت. دبیر ما که این مسئله‌ها را حل می‌کرد. من پیش خود می‌گفتم معلم چطور می‌فهمیده شکل این تابع را باید این‌طوری عوض کند و بعد مشتق بگیرد؟ ما هر چه فکر کردیم به ذهنمان نرسید؟! در کتابخانه همان مدرسه من کتاب روش‌های جبر را دیدم. همان مسئله‌ها را در این کتاب دیدم و راه‌حلش هم به همین شکل آمده بود. ... بعد با خود گفتم این پرویز شهریاری همان پرویز شهریاری است؟ یعنی با خود گفتم نباید او باشد، باید دو نفر باشند. بعد چند سالی گذشت. آشتی با ریاضیات و آشنایی با ریاضیات را دیدم. آن روش‌های جبر هم در تمام دوران دانشجویی‌ام به دردم خورد و مسئله‌هایش را حل می‌کردم تا سال ۷۰-۷۱ یک کتاب خاطرات سیاسی خواندم. آن‌جا از یک آقای که اسم معروفی هم دارد پرسیده بودند، نظر شما راجع به پرویز شهریاری چیست و ایشان گفته بود «پرویز شهریاری یکی از تمیزترین (اصطلاحی که آن شخص به‌کار برده بود) آدم‌هایی است که در عمرم دیدم. من آن‌جا با خودم گفتم این باید همان پرویز شهریاری باشد و بعد گفتم حتماً باید ایشان را بشناسم و ببینم. بعد رفتم یک تحقیق مفصل درباره استاد کردم و اشتیاقم برای دیدن ایشان بیش‌تر شد. وقتی برهان را دیدم متوجه شدم که آقای امیری و آقای شهریاری هم در این مجله هستند. گفتم این فرصت خوبی است و حتماً از این‌جا به پرویز شهریاری می‌رسم!

آن‌جا جبر سوم ریاضی می‌گویم و من پرسیدم چرا سوم، چرا چهارم را نمی‌گویید؟ ایشان گفتند: «سال چهارمی‌ها از دست رفته‌اند، نمی‌شود با آن‌ها ارتباط برقرار کرد. ما می‌خواهیم چهار کلام حرف حسابی بزنیم، یک تاریخ ریاضی بگوییم، آن‌وقت دانش‌آموزان چپ‌چپ نگاهمان می‌کنند و می‌گویند آقا به درد کنکور می‌خورد؟ چه بگوییم؟ من فقط سوم درس می‌دهم.» که آن‌جا ما یک کلاس مشترک داشتیم، جبر سوم را استاد می‌گفت، ریاضیات جدید سوم را من می‌گفتم، ریاضیات جدید چهارمشان را هم من می‌گفتم. روزهایی که ایشان کلاس داشتند، یک جلسه کلاس من بعد از کلاس ایشان و خیلی سخت بود. باور کنید بعد از کلاس ایشان، رفتن سر آن کلاسی که ایشان در آن درس داده بود و می‌خواستیم ریاضیات جدید بگوییم بسیار کار مشکلی بود. بچه‌ها هنوز تا نیم ساعت اول کلاس هنوز محو صحبت‌های ایشان بودند و فکر می‌کردند من آقای شهریاری هستم که آن‌جا درس می‌دهم. آن‌جا این رابطه بین بچه‌ها و استاد را به خوبی درک کردم. فکر می‌کنم آن سال‌ها، سال‌های آخر تدریس ایشان بود و دیگر بعد از آن در مدرسه‌ای درس ندادند.

آقای یاسی‌پور: بله این‌که فرمودید سال سوم درس می‌گفتند، در یک مدرسه‌ای که من خدمت خود آقای شهریاری بودم و مثلثات می‌گفتم، ایشان می‌گفتند که من پنجم ریاضی را می‌گویم، شما برو مثلثات ششم ریاضی را بگو. من به ایشان گفتم آخر من چه‌طور در مقابل شما بروم ششم؟ گفتند نه من با پنجم باید کار کنم. همین حرفی که شما گفتید.

آقای امیری: آقای مهدی قمصری یک مدت در جمع ما بودند، ایشان معلم جبر و آنالیز سال چهارم خودم بودند. آقای عابدی هم از اولین شماره به ما مقاله می‌دادند. ایشان هم سال چهارم معلم ریاضیات جدید ما بودند. الان یادم افتاد که از این دو بزرگوار هم یادی کنیم، به‌ویژه آقای عابدی که بعدها هم خیلی با ما همکاری داشت. دو تا از کتاب‌های کوچک ریاضی از ایشان است. الان هم مثل اینکه مریض هستند. همین‌جا پیشنهاد می‌کنم یک جلسه خدمت ایشان برسیم.

آقای یاسی‌پور: یک نکته‌ای را در ادامه صحبت آقای شرقی عرض کنم. ما در سال ۱۳۳۹ یعنی ۵۰ سال پیش‌تر، شاگرد آقای شهریاری بودیم. ایشان در یک مدرسه دولتی در خیابان نادری (به نظرم اسم مدرسه‌اش تمدن بود) مثلثات درس می‌دادند. جا هم نداشتیم، ما متفرقه بودیم و شبانه می‌رفتیم، جا هم نبود و ایشان در آبدارخانه روزانه برای چند نفر بزرگسال کلاس گذاشته بودند. فقط من بودم که سنم کمتر از بقیه بود. آن‌ها همه عاشق آقای شهریاری بودند. با صحبت آقای شرقی من به یاد عشق آن‌ها افتادم، واقعاً عاشق بودند.

آقای امیری: این رابطه دانش‌آموز و استاد را که شما می‌فرمایید من یک جای دیگری در سال ۷۱-۷۲ به چشم دیدم. اگر آقای شهریاری یادشان باشد، به من لطف کردند و فرمودند که در مدرسه «فیروز بهرام» احتیاج به همکار دارند. من هم به دیده منت پذیرفتم و ایشان آن‌جا جبر سوم ریاضی را می‌گفتند. من پرسیدم شما خودتان آن‌جا درس می‌دهید؟ گفتند بلی، من

از این که هر جلسه می‌توانم در جمع هیئت تحریریه قرار بگیرم احساس خیلی خوبی دارم، چون همیشه تجربه کسب می‌کنم و خوشبختانه در انتقال این تجربه به دیگران هم کوتاهی نکرده‌ام. یعنی هرچه در هر جلسه یاد می‌گیرم سعی می‌کنم به دوستان مختلفی که گوشه و کنار با ایشان برخورد دارم، یاد بدهم. اگر هم فکر می‌کنید که بنده در مقام شاگردی شما درس پس می‌دهم، از شما یاد گرفتم، ادب و احترام و... را از تک‌تک شما بزرگان یاد گرفته‌ام. من امسال در مدرسه‌ای مشغول تدریس شدم و بنا به دلایلی پس از ۱۵ سال مدرسه‌ام را عوض کرده‌ام. بعد از یک ماه که در این مدرسه جدید می‌روم هنوز معلم‌ها مرا به گرمی پذیرا نیستند ولی شما بزرگان از همان روز اول مرا تحویل گرفتید.



میرشهرام صدر

یادم می‌آید در سن ۲۶ سالگی به جمع هیأت تحریریه مجله برهان دعوت شدم. تازه معلم شده بودم، البته در زمان تحصیل در دانشگاه، درس هم می‌دادم. به نوشتن علاقه داشتم و روی برد دانشگاه مقالاتی با عنوان «آیا می‌دانید که؟» می‌نوشتیم. یک روز که سال آخر دانشگاه بودم، یعنی سال ۷۲-۱۳۷۱، آمدم انتشارات مدرسه یک سری از کتاب‌های انتشارات مدرسه را بگیرم، دیدم یک مجله‌ای به نام برهان درآمده و چه مطالب قابل توجهی در آن است. چون از قبل هم علاقه به نوشتن مقاله و تحقیق داشتم، گفتم مطالبی بدهم که بشود در مجله هم چاپ کرد. با آقای امیری ارتباط برقرار کردیم و مقاله دادیم و ایشان جریان را تعریف کردند. این داستان گذشت و روزی آقای امیری به من پیشنهاد کرد که برنامه‌ات چیست؟ کجا کار می‌کنی؟ وقت داری یا نداری؟... اگر می‌شود با ما همکاری کن. (این همانست که تا چاپ مقاله در مجله، چهار مرتبه مقاله را بردم و نوشتم و آوردم و بردم و...) خیلی احساساتی شدم. یادم هست که وقتی آقای امیری این پیشنهاد را به من دادند، در مسیری که داشتم به خانه می‌رفتم تا به پدر و مادرم بگویم چنین اتفاقی افتاده، انگار روی زمین راه نمی‌رفتم. یعنی فکر می‌کردم دارم پرواز می‌کنم. دو جا این احساس به من دست داد: یکی هنگام طواف دور خانه خدا در مکه مکرمه و یکبار هم وقتی که به عنوان عضو کوچکی در هیئت تحریریه دعوت شدم و بزرگان این جمع با سعه صدر با من برخورد کردند. همان جلسه آقای امیری مرا معرفی کردند و گفتند ایشان در مورد برهان یک سری نظرات دارند و همه نشستند و حرف‌های مرا گوش کردند، البته من چند کلمه‌ای بیشتر صحبت نکردم، زیرا در جلسه اصلاً جای صحبت کردن من نبود، من کوچک‌تر از آن بودم که بخواهم حرفی بزنم. در ابتدا که آمدم، استاد یاسی‌پور چند جلسه‌ای نبودند، بعد از آن آمدند و ما در خدمتشان بودیم. ایشان خیلی صمیمی و گرم با من برخورد کرد که احساس کردم در یک جمع صمیمی خانوادگی قرار دارم.

من گاهی برای گرفتن متون از آقای شهریاری خدمت ایشان می‌رسیدم و گاهی خودم کاری را خدمت ایشان می‌آوردم. یادم هست یک روز که در مورد یک مقاله ریاضی تحقیق می‌کردم، خدمت ایشان رسیدم و بعد از آن که جواب سؤالاتم را گرفتم، کمی خدمت استاد درد دل کردم. آن موقع داشتم به انتشارات مدرسه منتقل می‌شدم، و این مسئله خیلی طولانی شده بود؛ به استاد شهریاری گفتم، استاد موضوع این است و من کار مجله را دوست دارم، ولی کارهایم زیاد شده است و می‌خواهم یک‌جا متمرکز باشم، چه کار کنم؟ گفتند «از میدان در نرو». دوباره از ایشان سؤال کردم، یعنی چه کار کنم؟ ایشان در جمله‌ای کوتاه فرمودند: «من نمی‌دانم، فقط از میدان در نرو». این جمله در نظر من شامل دریایی از معرفت بود و برای من مایه دلگرمی بود. من هم از میدان درنرفتم و ماندم. همین چند وقت پیش، وقتی ایشان را از منزل آقای قندهاری به منزل خودشان می‌بردم، گفتم: آقای شهریاری، من از میدان درنرفتم و در دفتر مجله انجام وظیفه می‌کنم، شما استاد ما هستید، تجربه دارید، یک نصیحتی به ما کنید که چه کنیم که در کارمان موفق‌تر باشیم؟ ایشان فرمودند: «بی‌سروصدا داری کارت را انجام می‌دهی».

در این‌جا از همه اساتید خودم تشکر می‌کنم که مرا به جمع خودتان پذیرفتید. من همیشه خود را شاگرد کوچکی در جمع شما می‌دانم.

دارم. به‌جز در مقطع دکترا، هم در تهران درس خوانده و هم درس داده‌ام، البته به‌صورت حق‌التدریسی. من از همان موقع دنبال مجله بودم و کتاب آقای یاسی‌پور «مقدمه‌ای بر استدلال ریاضی» را آمدم از انتشارات مدرسه خریدم. جلوی دانشگاه می‌رفتم ببینم چه کتابی آمده که بتوان استفاده کرد و من قبل از آن یادم نمی‌آید، فقط می‌دانم که مجله یکان بود. ولی مجله برهان که آمد من خوشحال شدم که منبعی

آقای امیری: ما هم تشکر می‌کنیم که شما وقت گذاشتید، انرژی گذاشتید، جوانی‌تان را گذاشتید و دارید می‌گذارید و به واقع بیش‌تر زحمات‌های مجله بر گردن شماست. من خدا را شاکرم که همکار و برادر خوبی مثل شما دارم.

دکتر ریحانی: ارتباط من با مجله در سال‌های اول معلمی من بود و دانشجو بودم. مجموعه اولیه آن را که سال ۷۰ چاپ شد هنوز

برای معلمان و دانش‌آموزان وجود دارد و آن موقع همه شماره‌هایش را هم معرفی می‌کردم و هم می‌خریدم. تا ۴ یا ۵ سال پیش هم خیلی مرتب می‌خریدم، ولی الآن اگر بتوانم تهیه می‌کنم.

به هر حال این استمرار و پشتکار خیلی مهم است که شما این کار را ۲۰ سال توانسته‌اید انجام دهید. در نبود منبعی به این صورت، خودش خیلی ارزش دارد. مخاطبان خیلی مناسبی داشته است، و با این حال خیلی بهتر از این هم می‌توانست باشد. یعنی اگر معلمان بتوانند ارتباط بیش‌تری با مجله برقرار کنند خیلی مؤثرتر خواهند بود و اگر بشود هر ۳ یا ۴ سال یک بار یک بازسازی، نوسازی، بهینه‌سازی و به‌روز آوری شود خیلی فرق می‌کند. اگر مجله با سبک کارهای جدید و مجلات جدید دنیا هماهنگ باشد و متناسب با نیازها، تغییرات آموزشی و برنامه‌های درسی و همگام با آن‌ها حرکت کند، مخاطبان بیش‌تری خواهد داشت.

به نظر می‌رسد که کار ارزیابی هم باید انجام شود، یعنی شما ارزیابی‌هایی را تهیه کنید تا یک برآوردی از بیست سال کار خود داشته باشید. شاید مناسب باشد که یک پرسشنامه یا طرحی تهیه کنید و ببینید که در بین مخاطبان چه جایگاهی دارید، الآن چه جایگاهی دارد، مشکلاتش چیست، چه جاهایی مورد استقبال است، که با این دیدگاه هم بتوانید آن را ارتقا دهید. در هر حال کار بسیار خوب و پسنیدیده‌ای بوده است. من حتی برهان راهنمایی را هم تهیه می‌کردم. امیدوارم بتوانید کارتان را توسعه دهید.

آقای امیری: آقای دکتر شرف‌الدین که از مفاخر ایران هستند و تاکنون دو نسل از مقالات ایشان استفاده کرده‌اند. وقتی که ایشان دبیر و دانشجو بودند و تدریس می‌کردند، کتاب‌هایی داشتند که آن کتاب‌ها خیلی معروف بود و تا حالا چند تا کتاب ارزشمند و تحقیقی از ایشان در انتشارات مدرسه چاپ شده است. مقالاتشان در مجله برهان همیشه جزو مقالات بی‌نظیر بوده‌اند که جایی تکرار نمی‌شوند. همیشه یک حرف نو در مقالات ایشان هست. من چندجا صحبت کرده‌ام و گفته‌ام کتاب‌هایی که ایشان دارند شاید جزو معدود کتاب‌هایی هستند که می‌شود اسم تألیف رویش گذاشت، یعنی گردآوری و جمع‌آوری و تدوین نیست و واقعاً تألیف شده است. این است که افتخار داریم در خدمت ایشان باشیم.

دکتر شرف‌الدین: اولین شماره‌ای که درآمد به خاطر من نیست، ولی وقتی این مجله به دستم رسید خیلی خوشحال شدم، چون مجله یکان دیگر چاپ نمی‌شد. واقعاً انسان متأثر می‌شود که یک مجله که سال‌ها چاپ می‌شده است، به یک‌باره دیگر چاپ نشود. وقتی کنار نویسندگان برهان هستم خیلی خوش‌حال می‌شوم، وقتی هم که کنارشان نیستم باز هم حس می‌کنم در کنارشان هستم، چون

مجله را می‌خوانم، لذت می‌برم و احساس می‌کنم که هم قلبی و هم فکری در کنارشان هستم. من معتقدم که باید برای این مجله از بالا امکاناتی بدهند. خوب اگر امکاناتی باشد من از خدا می‌خواهم مقاله بدهم. برای مثال مقالات از مجلات خارجی که اگر از بالا امکاناتی فراهم شود بهتر می‌شود. من وقت زیادی می‌گذارم و یک مقاله می‌دهم بعد یکی می‌آید آن را ویراستاری می‌کند و تمام مقاله مرا با خط قرمز مخدوش می‌کند و نمی‌شود آن را درست خواند!

آقای یاسی‌پور: اصلاً در متون دوگانگی ایجاد شده است، چون بعضی را عوض می‌کنند و بعضی را عوض نمی‌کنند (طبق عادت)، بعد می‌بینید که دوگانگی و حتی سه‌گانگی ایجاد شده است. خوب نوشته هر کس شناسنامه آن شخص است. نوشته را نباید تغییر داد، به هیچ‌وجه من الوجوه نباید در آن دست برد، دلیلی ندارد که نوشته را تغییر بدهند. مثل این که شعر حافظ را شما تغییر دهید، خوب حافظ دلش خواسته این‌جوری بگوید، البته به زبان امروزی می‌شود عوض کرد و بگوییم این به زبان امروز نزدیک‌تر است، ولی نمی‌شود اصل مطلب را تغییر داد!

دکتر شرف‌الدین: من یک بار مقاله‌ای دادم که خیلی بعد رنجیده شدم، چون اسم مقاله را که داستان معروفی هم بود عوض کرده بودند. داستانی بود از کتاب ادبیاتمان که آن کتاب را ملک‌الشعراى بهار، بهمنیار، بدیع‌الزمان نوشته بودند. یکی از داستان‌هایش را، که ذکر آن در این‌جا مناسبتی ندارد، من به برهان داده بودم و آن‌جا اسم داستان را عوض کرده بودند. من خیلی ناراحت شدم.

آقای یاسی‌پور: اگر اسم این داستان را عوض کنید خراب می‌شود، مگر این که کل داستان را اصلاً نمی‌نوشتید. چون این ارزش و اهمیتش فقط در آن عنوانش است. چون ما در ادبیات، اصطلاحی به نام «براعت استهلال» داریم که در علم بدیع مطرح می‌شود، یعنی وقتی داستانی را می‌خواهی تعریف کنی حتی نام فیلم‌ها و تیتراژشان نشان می‌دهد که این فیلم راجع به چه چیزی صحبت می‌کند و هر داستانی در ادبیات وقتی کسی شعر یا ادبیاتی می‌خواهد بگوید باید طوری تنظیم کند که همان بیت‌های اول مشخص کند که چه می‌خواهد بگوید. مثلاً در شاهنامه فردوسی وقتی می‌خواهد راجع به جنگ رستم و سهراب صحبت کند، براعت استهلالش این‌طور است:

کنون رزم سهراب و رستم شنو

دگرها شنیدستی این هم شنو

یکی داستانی است پر آب چشم

دل نازک از رستم آید به خشم

از این‌جا مشخص می‌شود یک داستان تراژدی گریه‌آور است که رستم یک خطای بزرگی مرتکب شده که طرف را عصبانی می‌کند. بعد داستان را تعریف می‌کند. من منظورم این است که عنوان آن

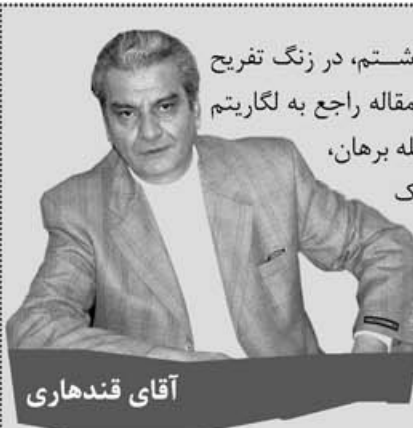
مطلب بسیار مهم است. یک ظرافت‌هایی هم در این ماجرا هست که باید رعایت شود.

آقای امیری: آقای دکتر شرف‌الدین، قبل از این که شما همکاری‌تان را با مجله ما شروع کنید با کدام مجلات دیگر همکاری داشتید؟

دکتر شرف‌الدین: من در مجله یکان، مجله مدرسه عالی اراک، مجله وزارت علوم و فرهنگ و بینش مقاله می‌دادم و همکاری داشتم. دکتر شرف‌الدین: خاطراتی از آقای شهریار ی بگویم. یکی این که میلیون‌ها ایرانی کتاب‌های آقای شهریار را خوانده‌اند، خود این برای ما بهترین خاطره است. من یک کتابی نوشته‌ام که اگر کتاب آقای شهریار را نمی‌خواندم نمی‌توانستم آن را بنویسم.

آقای یاسی‌پور: یکی از ریاضی‌دانان ایرانی و اسلامی بوزجانی است. بوزجانی در کتاب اعمال هندسه‌اش اول قضایای هندسی را مطرح کرده و از راه هندسه آن‌ها را حل کرده است. بعد می‌بیند راه‌حل‌هایش به درد صنعتگر نمی‌خورد. آن وقت راه عملی‌اش را هم یاد داده و در دو قسمت آورده است. یک قسمت هندسه محض آورده و یک قسمت هندسه عملی که چگونه انجام دهیم. ما بین ریاضی‌دانان ایرانی اسلامی خودمان بوزجانی را داریم که چنین کاری را مفصل کرده انجام داده است؛ هم در حساب، هم در هندسه: کتاب اعمال هندسی و اعمال حسابی. در حساب، ابتدا قضایای حساب را گفته، بعد گفته حسابدار اگر بخواهد کار کند، باید این کار را انجام دهد.

دکتر شرف‌الدین: بله من از استاد شهریار خاطرات خیلی خوبی دارم. ایشان خیلی عاقل و مدبر است و با بزرگواری اظهارنظر می‌کند. آقای یاسی‌پور: درباره بزرگواری آقای شهریار می‌خواهم نکته‌ای بگویم که ما هر موقع از آقای شهریار برای برنامه‌ای تقاضا کردیم تشریف بیاورند، بلافاصله قبول کردند. ما دو تا برنامه داشتیم، یکی در رادیو فرهنگ بود به نام «در جهان ریاضی» و یک برنامه دیگر داشتیم در تلویزیون به نام «جهان ریاضی» به مناسبت سال جهانی ریاضیات. در هر جلسه‌ای که از ایشان دعوت می‌کردیم ایشان برای میزگرد یا صحبت می‌آمد. با مشکلات هم مبارزه می‌کرد و کنار می‌آمد. مثلاً ایشان یک بار خودشان خاطره‌ای تعریف کردند و گفتند: «من یک مرتبه آمدم صدا و سیما، نزدیک محمودیه»، خوب قبلاً باید آفیش شود که وقتی شخص می‌آید او را راه دهند. ما هم قبلاً گفته بودیم آقای شهریار می‌آیند. بعد ایشان آمده بودند، ولی جلوی ایشان را گرفته بودند و گفته بودند کجا می‌روی. «گفتم من شهریار هستم و برای رادیو برنامه دارم.» گفتند: «اسم شما این‌جا نیست.» گفتم: «نمی‌شود آخر، مرا آفیش کرده‌اند اسم من باید این‌جا باشد. گفتم بگذار خودم لیست را ببینم اسمم هست یا نه؛ و دیدم اسم مرا به صورت پرویز شهریار آن‌جا نوشته بودند. گفتم این مگر اسم من نیست؟» او گفت: «این «پرویز شهریار» است!» خوب، ایشان با این دردسرها کنار می‌آمدند.



آقای قندهاری

درباره آشنایی با مجله برهان باید بگویم یک روز که من در آموزشگاه علامه درس داشتم، در زنگ تفریح بود که جناب امیری را برای اولین بار ملاقات کردم و ایشان گفتند: آقای قندهاری ما یک مقاله راجع به لگاریتم می‌خواهیم. گفتم برای چه؟ گفتند: ما می‌خواهیم مجله‌ای ریاضی منتشر کنیم به نام مجله برهان، برای عضو هیئت تحریریه گرفتن تقریباً یک حالت خاصی دارد، ما به چند نفر گفتیم یک مقاله لگاریتم برایمان بنویسند. این‌ها را بررسی کنیم، بعداً انتخاب می‌کنیم. من هم معمولاً نوشتنم عین تدریس سر کلاس بود. یعنی هر چه سر کلاس می‌گویم همان را می‌نویسم. خیلی آرام درس می‌دهم، خیلی تمیز می‌نویسم، با بچه‌ها شوخی می‌کنم، یعنی این‌طور نیست که خشک و خالی درس بدهم، مقالات را هم همان‌طور با ملایمت نوشتم و پس از یک ماه دیدم که آقای امیری تلفن کردند که شما بیاید و عضو هیئت تحریریه شوید و از آن تاریخ، افتخارم این است که در خدمت این جامعه هیئت تحریریه هستم.

استاد شهریار روی من اثر خاصی داشت به این علت که شما از استاد شهریار اگر چیزی بپرسید، زود جدول‌ضربی جوابتان را نمی‌دهد، فکر می‌کند جواب می‌دهد، و این واقعاً مهم است که وقتی شما از ایشان پرسشی می‌کنید ایشان با تفکر و با متانت جواب می‌دهند و این خیلی اهمیت دارد، بخصوص ما که ریاضی خوانده‌ایم خیلی باید در گفتار، در تعاریف و در بیان مطالب دقت کنیم. به هر جهت از آن تاریخ من جزو افتخارات زندگی‌ام است که در خدمت این مجله بودم و صمیمیتی که بین اعضا برقرار بود واقعاً زبازد است. یکی از نویسندگان که در سوئیس زندگی می‌کند می‌گوید: سه نفر ایرانی که دور هم جمع می‌شوند چهار تا عقیده مختلف دارند. ما واقعاً در مجله برهان اصلاً چنین حالتی نداشتیم. من مثلاً اولین کتابی که برای انتشارات مدرسه نوشتم از آقای امیری خواهش کردم ویراستارش بشود. یعنی رابطه حالا بین من و آقای امیری رابطه پدر و فرزندی برقرار است ولی واقعاً رابطه‌ها صمیمی است. من یادم

است یک وقتی آقای صدر یک مقاله فرستاد، مقاله‌های مربوط به جبر را آقای امیری لطف می‌کردند و برای کارشناسی به من می‌دادند، در کار هم بحث تعارف نبود دیگر بحث مقاله علمی بود، خیلی با دقت این را تصحیح کردم و ایراد گرفتم و خیلی پرخاش کردم که شما اگر می‌خواهی این را بنویسی باید این خصوصیات را داشته باشی، تعاریف باید جامع و مانع باشد، کامل باشد، برای هر تعریفی که می‌آوری باید مثال بیاوری، گرچه آن زمان آقای صدر ظاهراً ناراحت شد ولی مثل این که بعداً راضی شد. من واقعاً از جلسات برهان بهره بردم، از وجود آقای شهریار، از وجود جناب آقای یاسی‌پور و از بقیه دوستان. از استاد رستمی بگویم، ایشان کاری که در هندسه کرده واقعاً کارستونه. ایشان واقعاً از افتخارات ماست. جوان‌ترها بعداً به ما اضافه شدند، آقای شرقی، آقای هاشمی موسوی و آقای صدر که خیلی هم ظرفیتش بالاست، آقای امیری که جای خود دارد که من واقعاً به ایشان علاقمندم. بعضی از آدم‌ها ظرفیت خاصی دارند، مثل یک ظرف چهار لیتری می‌مانند، شما دو میلیون لیتر در او آب بریز، آخر سر همان چهار لیتر را می‌گیرید ولی آقای امیری این‌طور نبود و ظرفیتش بالا بود، هر چه می‌گفتم، قبول می‌کرد و می‌پذیرفت. درباره استاد شهریار باید بگویم که من هفته‌ای یک‌بار خدمتشان می‌رسیدم. چون خانه‌شان نزدیک ما بود، وقت می‌گرفتم و خدمتشان می‌رفتم مقالاتی را که برای مجله‌های چیستا یا مجله دانش و مردم، نوشته بودم برایشان می‌خواندم. چون یک مقدار خواندن برایشان مشکل بود و من برایشان می‌خواندم. تقریباً هر چه که می‌خواندم می‌گفتند بده برای چاپ، من واقعاً از استاد شهریار خیلی بهره گرفتم. بخصوص در رفتار ایشان منطق موج می‌زند. ایشان خیلی متین، موقر و با دقت صحبت می‌کند و انسان واقعاً لذت می‌برد. الان خواندن برایشان سخت است، با عینک و با ذره‌بین می‌خوانند، نوشتن هم برایشان سخت است، معذالک همین الان هم کتاب ترجمه می‌کنند.

آقای امیری: اولین مقاله شما چه بود که در برهان چاپ شد؟
 آقای قندهاری: اولین مقاله‌ام لگاریتم بود که چاپ شد و واقعاً هم خوشحال شدم. فکر می‌کنم که سال ۶۱ بود، اولین کتابم چاپ شد و انتشاراتی دو جلد از آن را برای من فرستاد، ما رفتیم سر کلاس کنکور، هر مسئله‌ای که نوشتیم، غلط حل کردم؛ بچه‌ها گفتند چه شده؟ گفتم هیچی! امروز کمی حواسم پرت است و واقعاً خوشحال‌کننده بود. خداوند به این گروهی که دست‌اندرکار نوشتن هستیم نعمتی داده.
 آقای امیری: به لطف خدا یک برکت خاصی به این گروه داده شده، یعنی وقتی شما می‌نویسید و انگیزه مادی ندارید و بیست

هزار نفر این مقالات را می‌خوانند، این باعث شده که خداوند به این جمع‌شدن‌ها و نشست‌ها برکت بدهد.

آقای قندهاری: این توفیق تک‌تک‌مان بود، و توفیق گروه بود. بدون این که بخواهیم، این گروه را حفظ کردیم. هیچ‌وقت هم صحبت تندی هم بین ما پیش نیامد و خداوند این توفیق را به من داد که در این راه بیافتم. خوب می‌توانستم به خیلی جاها کشیده شوم و بیش از ظرفیتم خدا به من لطف کرده است.

آقای امیری: ما از زحمات بیست ساله شما قدردانی می‌کنیم هر چند که باید بگویم زبان ما قاصر است.

آقای یاسی‌پور: با آرزوی توفیق برای همه خوانندگان مجله برهان، آنان را به خداوند متعال می‌سپاریم.

پی‌نوشت

۱. مدیرعامل وقت انتشارات مدرسه

۲. مدیرکل وقت دفتر انتشارات کمک‌آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

سه چهره دوده‌آلود

تقریب اندیش

آنان که مدتی را در انگلستان گذرانده باشند، می‌دانند که مردم این کشور به هنگام سفر با قطار دوست دارند پنجره‌ها را باز بگذارند تا از هوای آزاد برخوردار شوند. روزگاری که قطارهای انگلستان هنوز برقی نشده بود و لکوموتیوهای آن‌ها با زغال‌سنگ کار می‌کردند، در کوپه‌ای از یک قطار، سه انگلیسی مبادی آداب همسفر شده بودند. هر کدام، بدون توجه به وجود دیگران، راست و محکم در جای خود نشسته و به خواندن کتاب مشغول بودند. گذشتن قطار از یک تونل و پیش آمدن یک تاریکی زودگذر سه همسفر را بر آن داشت تا لحظه‌ای سر از روی کتاب بردارند و نگاهی به یکدیگر اندازند. ناگهان هر سه نفر متانت خود را از دست داده، با صدای بلند خنده سر دادند؛ زیرا هر کدام با چهره دوده‌آلود و مضحک دو نفر دیگر روبه‌رو شده بود، اما این وضع زیاد طول نکشید، پس از لحظه‌ای هر سه نفر سکوت کردند، سر را به زیر انداختند، دستمال‌های خود را بیرون آورده و چهره‌های خود را پاک کردند. چه شد که هر کدام از آنان، بدون آن که چهره خود را ببینند، با استنتاجی منطقی دریافت که چهره خودش نیز دودآلود است.

پاسخ در صفحه ۷۰

برگرفته از کتاب داستان‌واره‌های ریاضی / ترجمه عبدالحسین مصحفی /

انتشارات مدرسه

اعضای هیئت تحریریه

حمید رضا امیری

پست الکترونیک (E-mail): h66amiri@yahoo.com

متولد: ۱۳۴۲، تهران

مدرک تحصیلی: لیسانس ریاضی و دانشجوی کارشناسی ارشد ریاضی محض

□ عناوین آثار تألیفی و پژوهشی

ردیف	عنوان کتاب/مقاله	سال نشر	ناشر	ردیف	عنوان کتاب/مقاله	سال نشر	ناشر
۱	روش‌هایی از جبر (ترجمه)	۱۳۷۰	مدرسه	۱۳	هندسه تحلیلی و جبر خطی		رزمندگان
۲	ریاضیات جدید	۱۳۷۰	رزمندگان	۱۴	ریاضی عمومی ۱ و ۲		رزمندگان
۳	مبانی ریاضیات گسسته		مدرسه	۱۵	ریاضی سال اول/آموزش از راه دور		مدرسه
۴	ورودی به نظریه اعداد		مدرسه	۱۶	ریاضی سال دوم/آموزش از راه دور		مدرسه
۵	تابع		مدرسه	۱۷	جبر و احتمال/آموزش از راه دور		مدرسه
۶	ماتریس		مدرسه	۱۸	حسابان/آموزش از راه دور		مدرسه
۷	ریاضی سال اول/از مدرسه تا دانشگاه		مدرسه	۱۹	ریاضی ۳ تجربی/آموزش از راه دور		مدرسه
۸	ریاضیات سال دوم/از مدرسه تا دانشگاه		مدرسه	۲۰	ریاضی عمومی ۱ و ۲/آموزش از راه دور		مدرسه
۹	جبر و احتمال/از مدرسه تا دانشگاه		مدرسه	۲۱	ریاضیات گسسته و جبر و احتمال		محراب قلم
۱۰	ریاضیات گسسته/از مدرسه تا دانشگاه		مدرسه	۲۲	هندسه تحلیلی و جبر خطی		محراب قلم
۱۱	هندسه تحلیلی و جبر خطی/از مدرسه تا دانشگاه		مدرسه	۲۳	تعداد کل کتاب‌های تألیف و ترجمه تا آخر سال ۸۹، ۴۶ عنوان می‌باشد		
۱۲	حسابان		رزمندگان	۲۴	چاپ بیش از ۸۰ عنوان مقاله در مجلات ریاضی		

□ عناوین مسئولیت‌های فرهنگی و علمی (سر دبیری مجلات، سابقه مدیریت، تدریس و مربی‌گری در مدارس، عضویت در شورای نویسندگان مجلات کشور، هیئت علمی دانشگاه‌ها و...)

۱. از سال ۷۰-۶۹ تاکنون (بیست سال) سردبیر مجله ریاضی برهان متوسطه و ۴ شماره اول و دو سال اخیر

سردبیر مجله ریاضی برهان راهنمایی؛

۲. از سال ۱۳۶۹ تاکنون مسئول گروه ریاضی انتشارات مدرسه؛

۳. از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ سرگروه ریاضی منطقه ۱ آموزش و پرورش؛

۴. ۲۱ سال سابقه تدریس در دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی؛

۵. برگزاری ۲۰۰ ساعت کلاس ضمن خدمت در منطقه ۱ آموزش و پرورش به عنوان مدرس؛

۶. عضو هیئت تحریریه دو مجله ریاضی برهان متوسطه و راهنمایی.

□ عناوین جوایز و افتخارات فرهنگی و هنری (آثار برگزیده و تقدیری در جشنواره‌ها،

سمینارها و...)

۱. ارائه سخنرانی ۲۰ دقیقه‌ای در کنفرانس آموزش ریاضی سنندج؛

۲. ارائه سخنرانی ۲۰ دقیقه‌ای در کنفرانس آموزش ریاضی شهرکرد؛

۳. اختراع و ثبت دستگاه ریاضی محاسبه ب.م.م و ک.م.م و... و عضویت در انجمن مخترعین ایران؛

۴. انتخاب تحت عنوان معلم پژوهنده در منطقه ۱ در سال ۱۳۸۲-۱۳۸۳؛

۵. دو دوره انتخاب به عنوان داور جشنواره خوارزمی.

احمد قندهاری

متولد: ۱۳۱۹، تهران

مدرک تحصیلی: کارشناس ریاضی

پست الکترونیک (E-mail): ghandehariahmad@yahoo.com

□ عناوین آثار تألیفی و پژوهشی

ردیف	عنوان کتاب/مقاله	سال نشر	ناشر	ردیف	عنوان کتاب/مقاله	سال نشر	ناشر
۱	جبر، حساب، آنالیز	۱۳۷۵	مدرسه	۱۱	فرهنگ ریاضی	۱۳۸۱	مدرسه
۲	حسابان ۱ و ۲	۱۳۷۶	محراب قلم	۱۲	ریاضیات سال دوم	۱۳۸۲	مدرسه
۳	مسائل ریاضی ۱ و ۲	۱۳۸۴	مهاجر	۱۳	ریاضیات تجربی	۱۳۸۲	مدرسه
۴	۸۵۵ مسئله در حسابان و دیفرانسیل	۱۳۸۰	مهاجر	۱۴	حسابان ۱ و ۲	۱۳۸۲	مدرسه
۵	حساب دیفرانسیل و انتگرال ۱ و ۲	۱۳۷۹	مهاجر	۱۵	حساب دیفرانسیل و انتگرال	۱۳۸۲	مدرسه
۶	مثلثات	۱۳۸۴	مهاجر	۱۶	مسائلی در جبر و حساب و آنالیز	۱۳۶۱	؟؟؟ درسی
۷	کاربرد مشتق	۱۳۸۴	مدرسه	۱۷	راهنمای جبر ششم ریاضی	۱۳۵۵	پگاه
۸	دنباله و سری	۱۳۷۷	مدرسه	۱۸	۸۰۰ مسئله در ریاضی تجربی	۱۳۶۵	دانشجو
۹	مجانب‌ها و رسم منحنی	۱۳۷۴	مدرسه	۱۹	جبر و آنالیز وقت کنکور	۱۳۷۲	علامه
۱۰	مقاطع مخروطی	۱۳۸۵	مدرسه				

□ عناوین مسئولیت‌های فرهنگی و علمی (سر دبیری مجلات، سابقه مدیریت، تدریس و مربی‌گری در مدارس، عضویت در شورای نویسندگان مجلات کشور، هیئت علمی دانشگاه‌ها و...)

۱. تدریس در سال‌های آخر دبیرستان و کلاس‌های کنکور به مدت ۴۲ سال؛
۲. عضو گروهس فرهنگی جاویدان؛
۳. عضو گروه فرهنگی علامه؛
۴. عضو هیئت تحریریه، مجله ریاضی برهان؛
۵. عضو گروه ریاضی انتشارات مدرسه؛
۶. پنج مقاله ریاضی در مجله ریاضی تورنتوی استان اونتاریو کانادا؛
۷. پنج مقاله ریاضی در اینترنت؛
۸. ترجمه سرگذشت مشاهیر جهان که جمعاً ۳۵ جلد است که تاکنون ۲۰ جلد آن به وسیله انتشارات مهاجر به چاپ رسیده است.

□ عناوین جوایز و افتخارات فرهنگی و هنری (آثار برگزیده و تقدیری در جشنواره‌ها، سمینارها و...)

۱. چندین تقدیرنامه از انتشارات مدرسه؛
 ۲. تقدیرنامه از روزنامه اطلاعات بابت طرح سؤالات کنکور و سال آخر دبیرستان به مدت یک‌ماه؛
 ۳. تقدیرنامه از آموزش و پرورش منطقه ۳ تهران؛
 ۴. بنیاد فرهنگی و دینی ایرانیان هوستون آمریکا؛
 ۵. تقدیرنامه از مؤسسه انتشارات فائق؛
- و چندین تقدیرنامه از گروه فرهنگی دانشجو.

هوشتنگ شرقی

متولد ۱۳۴۹، تهران

مدرک تحصیلی: لیسانس ریاضی

پست الکترونیک (E-mail):

Hooshang_sharghi_45@yahoo.com

(ب) سوابق فرهنگی و علمی (عناوین آثار تألیفی و پژوهشی، عناوین مسئولیت‌های فرهنگی و علمی، عناوین جوایز و افتخارات فرهنگی و علمی)

□ عناوین آثار تألیفی و پژوهشی

ردیف	عنوان کتاب/مقاله	سال نشر	ناشر	ردیف	عنوان کتاب/مقاله	سال نشر	ناشر
۱	آمادگی برای شرکت در المپیاد ریاضی	۱۳۷۷	علوم پایه	۱۲	کتاب کار جبر و احتمال	۱۳۸۶	مدرسه
۲	هندسه ۲	۱۳۷۸	علوم پایه	۱۳	کتاب کار دیفرانسیل	۱۳۸۶	مدرسه
۳	آموزش المپیاد ریاضی (۱)	۱۳۷۹	مدرسه	۱۴	کتاب جامع کنکور تجربی	۱۳۷۸	مبتکران
۴	آموزش المپیاد ریاضی (۲)	۱۳۸۵	مدرسه	۱۵	هندسه ۱ و ۲	۱۳۸۶	محراب قلم
۵	حسابان	۱۳۷۹	مدرسه	۱۶	ریاضیات تجربی	۱۳۸۶	محراب قلم
۶	ریاضیات گسسته	۱۳۷۹	مدرسه	۱۷	هندسه ۱ و ۲	۱۳۸۹	مبتکران
۷	المپیاد ریاضی انگلستان	۱۳۸۲	مدرسه	۱۸	کتاب کار آمار و مدل‌سازی	۱۳۸۶	مدرسه
۸	مسابقات ریاضی انگلستان	۱۳۸۳	مبتکران	۱۹	آموزش از راه دور آمار و مدل‌سازی	۱۳۸۵	مدرسه
۹	المپیاد ریاضی	۱۳۸۳	مبتکران	۲۰	مجموعه مقالات مجله برهان	۱۳۷۷ ۱۳۸۹	
۱۰	امتحانات نهایی جبر و احتمال - حسابان	۱۳۷۹	مبتکران	۲۱	مجموعه مقالات مجله توان	۱۳۸۳ ۱۳۸۷	مبتکران
۱۱	آموزش جبر و احتمال	۱۳۸۴	مبتکران	۲۲	مقالات در مجله دانش و مردم	۱۳۸۵ ۱۳۸۶	سه مقاله

□ عناوین مسئولیت‌های فرهنگی و علمی (سردبیری مجلات، سابقه مدیریت، تدریس و مربی‌گری در مدارس، عضویت در شورای نویسندگان مجلات کشور، هیئت علمی دانشگاه‌ها و...)

- عضویت در شورای نویسندگان مجله برهان (۱۳۸۹-۱۳۷۶)؛

- سردبیر مجله ریاضی توان دبیرستان (مبتکران) (۱۳۸۷-۱۳۸۵)؛

- عضویت در شورای نویسندگان مجله توان راهنمایی (مبتکران) (۱۳۸۷-۱۳۸۳)؛

- تدریس در دبیرستان‌های تهران (۱۳۸۹-۱۳۶۵)؛

- مدیریت گروه المپیاد ریاضی کانون فرهنگی و تربیتی حرّ منطقه ۱۱ تهران (۱۳۷۸-۱۳۷۳)؛

□ عناوین جوایز و افتخارات فرهنگی و هنری (آثار برگزیده و تقدیری در جشنواره‌ها، سمینارها و...)

- دریافت تقدیرنامه به مناسبت تدریس در دوره‌های آمادگی و توانمندسازی دبیران استان تهران در

آموزش کنکور ریاضی از مدیریت سازمان آموزش و پرورش شهر تهران (سال‌های ۸۸-۸۷-۸۶)

سید محمد رضا هاشمی موسوی

متولد ۱۳۴۴، تهران

مدرک تحصیلی: دکتری تخصصی آموزش ریاضی از آمریکا

پست الکترونیک (E-mail):

عضو هیات تحریریه‌ی مجله‌ی ریاضی برهان متوسطه؛

مؤلف و ویراستار بیش از ۴۵ عنوان کتاب درسی از راه دور و کمک آموزشی در مقاطع متوسطه، پیش

دانشگاهی و دانشگاهی؛

عضو انجمن مخترعین کشور و دارای ثبت اختراع سیستم رمزنگاری و کشف رمز با استفاده از فرمول

اعداد اول.

میر شهرام صدر

متولد ۱۳۴۹، تهران

مدرک تحصیلی: لیسانس ریاضی

پست الکترونیک (E-mail):

mir_Sadr@yahoo.com

سابقه آموزشی و اجرایی

- *مدیر داخلی و عضو هیأت تحریریه مجله ریاضی رشد برهان متوسطه از سال ۷۶ تا کنون؛
- * دبیر ریاضی دبیرستان‌ها و مراکز پیش‌دانشگاهی ساوجبلاغ به مدت ۶ سال (۷۸-۷۲ طرح تعهد خدمت)؛
- *مدرس ریاضی مراکز ضمن خدمت فرهنگیان (کتاب‌های ریاضی نظام جدید آموزش متوسطه)؛
- *تالیف ۲۴ عنوان کتاب کمک آموزشی و کمک درسی ریاضی برای دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی؛
- *مؤلف ۷۰ مقاله‌ی ریاضی منتشره در مجلات ریاضی، کنفرانس‌های آموزشی ریاضی و گردهمایی دبیران ریاضی؛
- *مدیر داخلی و برنامه‌ریز گروه ریاضی متوسطه انتشارات مدرسه به مدت ۵ سال از سال ۷۶ تا ۸۱؛
- *کارشناس و دبیر گروه ریاضی متوسطه انتشارات مدرسه از سال ۷۶ تاکنون.